

در حین رانندگی که تخلف محسوب و جریمه می‌گردد و یا کتمان هویت یا اعلام هویت خلاف واقع را قانونگذار جرم اعلام نماید نمونه دیگر مصداق ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) می‌باشد که بیان می‌دارد «هرکس به جای داوطلب اصلی هریک از آزمونها اعم از کنکور ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دانشسراها، مراکز تربیت معلم اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دویست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد که ظاهراً بایستی در جلسه امتحان شرکت نموده باشد و مثلاً اگر در هنگام ورود به جلسه موضوع مشخص گردد شامل این ماده نمی‌گردد و جرم نیست.



### بررسی بند «د» ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری و اختلاف نظر در مصادیق آن

محمدعلی نعمتی، مستشار دادگاههای تجدیدنظر اصفهان  
در ماده ۲۳۲ اعلام شده است که: «آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: الف) جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم است. ب) جرایمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می‌باشد. ج) ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال. د) جرایمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از خمس دیه کامل است. ه) جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال می‌باشد.

در این ماده «مستثنی» از «مستثنی منه» گسترده‌تر است به عبارت دیگر گفته شده است کلیه آراء قطعی است مگر... لیکن آنچه با قید استثنای «مگر» از قاعده خارج شده

شامل اکثر و اغلب آراء و دعاوی می‌شود و این شیوه نگارش با منطق قانونگذاری سازگاری ندارد توضیح آن که قسمت بند «د» اغلب در جرایم شبه عمدی یا خطایی یا عمدی که قابل قصاص نباشد دیه تعیین می‌شود که اگر کمتر از خمس دیه کامل باشد رأی قابل تجدیدنظر نیست لیکن در جراحات به فرض عمدی بودن براساس ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی که موجب قصاص است. اگر دادگاه به لحاظ عدم مماثلت، دیه تعیین نماید و حتی کمتر از خمس هم باشد چون مجازات قانونی قصاص است و مجازات تبدیل شده از ناحیه اصحاب دعوی قابل تجدیدنظر می‌باشد و از طرفی در پاره‌ای موارد خصوصاً در جراحاتی که ناشی از تخلف از نظامات یا بی‌احتیاطی یا بی‌میلانی از طرف مجرم باشد قانونگذار علاوه بر مجازات حبس و یا جریمه بیان داشته حسب مورد دیه منجی علیه را بایستی پردازد. موضوع اختلاف این است اگر شخص بر اثر ارتکاب تصادف و یا عدم رعایت نظامات دولتی در قانون کار و موارد مختلف دیگر موجب صدمه به شخص دیگری شد و دادگاه هم دیه زیرخمس و هم مجازات از لحاظ جنبه عمومی مثلاً تبصره ۲ ماده ۲۶۹ جانی را به حبس و دیه محکوم نمود آیا امکان تفکیک مجازات وجود دارد؟ و متعاقب آن آیا اظهار نظر مبنی بر این که دیه زیرخمس دیه کامل است و قابل تجدیدنظر نیست منطقی است؟ و آیا می‌توان مجازات حبس یا شلاق یا جریمه را قابل تجدیدنظر دانسته و حکم صادر نمود؟

به نظر اینجانب تفکیک مجازات‌ها صحیح نیست اگر یکی از مجازات‌های تعیین شده قابل تجدیدنظر باشد قسمت دیگر رأی هم قابل تجدیدنظر می‌باشد. زیرا این امر تالی فاسدی دارد که جهت روشن شدن به ذکر مثالی بسنده می‌شود تا موضوع روشن گردد: اگر فردی بر اثر تصادف به موجب رأی دادگاه محکوم به پرداخت دیه (زیرخمس دیه کامل) و شش ماه حبس به لحاظ ایراد صدمه غیر عمدی در اثر بی‌احتیاطی در رانندگی گردید و سپس محکوم علیه به حکم صادره معترض شد و دادگاه تجدیدنظر در قسمت دیه به لحاظ اینکه مطابق با بند «د» ماده صدرالذکر به لحاظ غیر قابل تجدیدنظر بودن

رای را قطعی دانست و دادگاه تجدیدنظر اساساً در مورد مجازات حبس وقوع تصادف را محرز ندانست یا منجی علیه را مقصر دانست مطابق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف است رای را نقض و تجدیدنظر خواه (محکوم علیه) را تبرئه نماید در این صورت دیه به قوت خود باقی است و این امر خلاف منطوق و حق می باشد.

و شاید بعضی از دادگاهها و اشخاص نظرشان این باشد که بایستی از طریق فوق العاده که حق قاضی است یا توجه به ماده ۲۳۵ قانون مذکور عمل شود که این مورد از اختیارات قاضی است می تواند عمل نکند و یا تذکر ندهد.

آنچه استنباط می شود این است که یک عمل دارای دو اثر است یکی جراحات وارده به مصدوم و دیگری از لحاظ بیم تجری با عدم رعایت نظامات که این عمل دو مجازات دارد یکی به فرض حبس و دیگری دیه که غیر قابل تفکیک می باشد و اگر یکی از جنبه ها قابل تجدیدنظر باشد جنبه دیگر نیز قابل تجدیدنظر است و از ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری هم که بیان می دارد «در مواردی که رأی دادگاه راجع به جنبه کیفری و دعوای ضرر و زیان تواما صادر شده چنانچه یکی از جنبه های مذکور قابل درخواست تجدیدنظر باشد جنبه دیگر رأی نیز به تبع آن قابل درخواست تجدیدنظر بوده و صلاحیت مرجع تجدیدنظر نیز بر همین مبنا خواهد بود» ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مبتنی بر این اساس بود و قانونگذار در موارد اعمال مجرمانه که هم جنبه عمومی و هم جنبه ضرر و زیان دارد حتی اگر به فرض جنبه ضرر و زیان مطابق ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی (که بیان می دارد احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می باشد: الف - در دعوای مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد. ب - کلیه احکام صادره در دعوای غیر مالی. ج - حکم راجع به متضرعات دعوی در صورتی که حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد) قابل تجدیدنظر نباشد به لحاظ محکومیت کیفری قابل تجدیدنظر است و یا برعکس ممکن است از لحاظ ضرر و زیان مطابق ماده ۲۳۱ قانون مذکور موضوع قابل تجدیدنظر و از لحاظ جنبه کیفری

غیر قابل تجدیدنظر باشد باز در این مورد دادگاه تجدیدنظر مکلف است به هر دو قسمت رسیدگی نماید. لذا از وحدت ملاک ماده ۲۳۴ قانون مذکور استنباط می‌گردد که در مواقعی که جرم دارای دو اثر باشد هر کدام که قابل تجدیدنظر باشد دادگاه مکلف است به جنبه دیگر که مطابق مقررات غیر قابل تجدیدنظر است رسیدگی نماید علی‌هذا مراتب جهت اطلاع همکاران محترم قضایی و کسانی که در جریان امور هستند می‌رسد تا در جهت تکمیل این بحث یا نقد و بررسی آن ارشاد و راهنمایی فرمایند. بدیهی است ممکن است در آینده نزدیک به لحاظ حدوث اختلاف و داشتن نظریات مختلف که موجب صدور آرای متفاوت می‌گردد منجر به صدور رأی وحدت رویه گردد. والسلام



### آشنایی مختصر با انجمن بین‌المللی قضاات دادگاههای

نوجوان و خانواده (I,A,Y,F,J,M)<sup>(۱)</sup>

احمد مظفری، قاضی دادگاه اطفال تهران

به منظور هماهنگ نمودن حدود صلاحیت دادگاههای نوجوان و خانواده در سراسر جهان و نتایج اجرای روشهای خاص و انجام تحقیقات در دادرسی نوجوانان و حمایت از کودکان، انجمنهای حمایتی زیادی در سطح جهان تأسیس گردیده است که یکی از آنها انجمن بین‌المللی قضاات دادگاههای نوجوان و خانواده می‌باشد که برای تبادل نظر در مورد مسائل مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان مخصوصاً نتایج تشکیل دادگاههای خاص و طرز اجرای روشهای نوین تشکیل شده است.

این انجمن یک سازمان غیردولتی (NGO)<sup>(۲)</sup> است که به سازمان ملل متحد خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد و در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ خورشیدی) در شهر بروکسل بلژیک تأسیس و به ثبت رسیده است و اهمّ فعالیتهای آن ارائه فعالیتهایی در جهت حمایت از

1- The International Association of Youth and Family judges and Magistretes.

2- Non - Government Organisation